

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه حاقه

استاد ضرابی، خرداد ۱۴۰۱

جلسه سوم ۱۴۰۱/۳/۲۹

آیات شریفه: «الْحَاقَّةُ (۱) مَا الْحَاقَّةُ (۲) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (۳) كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ (۴) فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (۵) وَأَمَّا عَادُ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (۶) سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (۷) فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ (۸) وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ (۹) فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخَذَةً رَابِيَةً (۱۰) إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ (۱۱) لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ (۱۲)» - (روز رستاخیز) روزی است که مسلماً واقع می‌شود! (۱) چه روز واقع شدنی! (۲) و تو چه می‌دانی آن روز واقع شدنی چیست؟! (۳) قوم «ثمود» و «عاد» عذاب کوبنده الهی را انکار کردند (و نتیجه شومش را دیدند)! (۴) اما قوم «ثمود» با عذابی سرکش هلاک شدند! (۵) و اما قوم «عاد» با تندبادی طغیانگر و سرد و پرصدا به هلاکت رسیدند، (۶) (خداوند) این تندباد بنیان‌کن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلط ساخت، (و اگر آنجا بودی) می‌دیدى که آن قوم همچون تنه‌های پوسیده و تو خالی درختان نخل در میان این تند باد روی زمین افتاده و هلاک شده‌اند! (۷) آیا کسی از آنها را باقی می‌بینی؟! (۸) و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و همچنین اهل شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) مرتکب گناهان بزرگ شدند، (۹) و با فرستاده پروردگارشان مخالفت کردند؛ و خداوند (نیز) آنها را به عذاب شدیدی گرفتار ساخت! (۱۰) و هنگامی که آب طغیان کرد، ما شما را سوار بر کشتی کردیم، (۱۱) تا آن را وسیله تذکری برای شما قرار دهیم و گوشه‌ای شنوا آن را دریابد و بفهمد. (۱۲)»

عنوان: ضرورت شناخت حقیقت انسانیت...

«الْحَاقَّةُ * مَا الْحَاقَّةُ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ» این آیات از ملاقات قطعی حقیقت انسانیت سخن می گوید همان حَقّی که برای منکرین و دشمنانش «قارعه» (درهم کوبنده) ؛ «كَذَّبْتَ ثُمُودَ وَ عَادُ بِالْقَارِعَةِ» و برای دوستان و پیروانش بهشت موعود است «كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ - بخورید و بیاشامید گوارا باد بر شما، این ها در برابر اعمالی است که در ایام گذشته انجام دادید!

زهر چه در جهان از زیر و بالا است مثالش در تن و جان تو پیدا است
جهان چون تست يك شخص معین تو او را گشته چون حال او ترا تن

جای بحث دارد که ببینیم این تفاوت در عذاب منکرین برای چیست؟ چرا برخی با «طاغیه-عذابی سرکش- فَأَمَّا ثُمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ» برخی با «ریح صرصر عاتیه - تندبادی طغیانگر و سرد و پرصدا- وَ أَمَّا عَادُ فَأَهْلِكُوا بِرِيحِ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ» و برخی با «أخذة رابیه - گرفتنی سخت- فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً» عذاب شدند؟ بی شک این نحوه های گوناگون از عذاب برای اقوام ستمگر و گنهکار، بی جهت بیان نشده، باید تذکر باشد برای آنها که گوشهای شنوا دارند. «لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَ تَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ»
پندگیر از مصائب دگران تا نگیرند دیگران ز تو پند
چو برگشته بختی درافتد به بند از او نیکبختان بگیرند پند

در دعای کمال به تنوع و آثار گناهان به این ترتیب اشاره شده است: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ، ... اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ، ... - خدایا بیامرز گناهی را که پرده های عصمت را می درد (و آبروی انسان را می برد)، خدایا بیامرز گناهی را که بدبختی ها را فرو می ریزد. خدایا ببخش گناهی را که نعمت ها را تغییر می دهد، خدایا ببخش گناهی را که دعای انسان را (از اجابت) حبس می کند (و باز می دارد) و خدایا ببخش گناهی را که بلاها را نازل می کند...». به راستی چه گناهی باعث نزول بلاهایی چون عذاب عاد و ثمود و دیگر اقوامی که ذکرشان در قرآن آمده گردیده است؟
گناه روی زمین می کنی نمی دانی که ماه بر فلک از شومی گناه بگیرد
تو پاک دامنی آری ولی شود پیدا گناههای تو فردا که دادخواه بگیرد

در کتاب معانی الاخبار ابی خالد کابلی از سیدالساجدین امام علی بن الحسین علیهما السلام، انواع گناهان و آثار آنها به این ترتیب ذکر نموده است:

« أبا خَالِدِ الْكَابُلِيِّ يَقُولُ سَمِعْتُ زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام يَقُولُ:

۱- برخی گناهانی که نعمت را تغییر می‌دهند- الذُّنُوبُ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ :
«الْبَغْيُ عَلَى النَّاسِ- ظَلَمٌ وَ تَعْدَى بِرِ مَرْدَمِ» «وَالزَّوَالُ عَنِ الْعَادَةِ فِي الْخَيْرِ- وَ تَرْكُ عَمَلِ خَيْرِي كَمَا بِهِ أَنْ عَادَتْ شَدَهُ» «وَأَصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ - وَ تَرْكُ أَمْرِ بِهِ نِيَكِي هَا» «وَكُفْرَانُ النَّعْمِ - وَ كُفْرَانُ نِعْمَتِ» «وَتَرْكُ الشُّكْرِ ... قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»-(رعد/۱۱)- وَ تَرْكُ شُكْرِ، این‌ها همان است که الله در باره‌اش فرمود: " خداوند وضع هیچ گروهی را دگرگون نمی‌سازد جز آنکه خودشان حالات روحی خود را دگرگون سازند- (رعد/۱۱) " «(شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۲۷۰)

۲ - گناهانی که پشیمانی آورنده هستند - وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ:
«قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ - كُشْتَنَ فَرْدِي اسْتِ كَمَا خَدَاوَنَدَ مَنَعُ كَرْدَه وَ فَرْمُودَه اسْتِ: « وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ - وَ نَفْسِي رَا كَمَا اللَّهُ حَرَامُ كَرْدَه اسْتِ، نَكْشِيد- (اسرى / ۳۳)، وَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي قِصَّةِ قَابِيلَ حِينَ قَتَلَ أَخَاهُ هَابِيلَ فَعَجَزَ عَنْ دَفْنِهِ فَسَوَّلَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ - وَ خَدَاوَنَدَ دَر دَايْتَانِ قَابِيلَ فَرْمُودَ: وَی چُونِ هَابِيلَ رَا کُشْتِ وَ اَز دَفْنِ اَوْ عَاجِزْ شَدَ، نَفْسِ سِرْکَشِ اَوْ قَتْلِ بَرَادَرَشِ رَا دَر نَظَرِ وَی خُوبِ جُلُوه دَادَ: فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ - پَسِ کُشْتِ اَز پَشِيمَانَان- (مائده / ۳۱) « وَ تَرْكُ صَلَاةِ الْقَرَابَةِ حَتَّى يَسْتَغْنُوا- تَرْكِ پِيُونَدِ خُوِيْشَاوَنَدِي اَنَقْدَرِ كَمَا اَز اَوْ چِشْمِ بِيُوشَنَدِ (مَثَلِ اَنَكَمَا چِنِينِ خُوِيْشَاوَنَدِي نَدَاشْتَه‌اَنَدَ)، « وَ تَرْكُ الصَّلَاةِ حَتَّى يَخْرُجَ وَقْتُهَا- وَ تَرْكِ نَمَازِ تَا وَقْتُ اَنِ بَگِذَرْدَ» « وَ تَرْكُ الْوَصِيَّةِ - وَ تَرْكِ وَصِيَّتِ» «وَ رَدُّ الْمَظَالِمِ - وَ نِپَرْدَاخْتَنِ رَدِّ مَظَالِمِ» « وَ مَنَعُ الزَّكَاةِ حَتَّى يَحْضُرَ الْمَوْتُ وَ يَنْغَلِقَ اللِّسَانُ- وَ مَنَعُ زَكَاتِ تَايَنَكَمَا مَرِگِ فَرَا رَسَدِ تَا هَنَگَامِي كَمَا مَرِگِ فَرَا رَسَدِ وَ زَبَانِ اَز گَفْتَارِ بَا زَمَانَدَ.» (شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۲۷۰)

۳ - گناهانی که موجب نزول انتقام و خشم الهی هستند - وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تُنْزِلُ النَّقْمَ:

«عَصْيَانُ الْعَارِفِ بِالْبَغْيِ- نَافَرْمَانِي كَرْدَنِ شَخْصِ عَارِفِ اسْتِ، كَمَا بَا شَنَاخْتِ سِرْ بَه طَغْيَانِ بَرَدَاشْتَه» «وَ التَّطَاوُلُ عَلَى النَّاسِ وَ بِرِ مَرْدَمِ گَرْدَنِ فَرَا زِي كَنَدَ وَ اِلَا سْتِهْزَاءُ بِهِمْ - وَ بَعْضِي اَز اَنَانِ رَا مُورِدِ اسْتِهْزَا» «وَ السُّخْرِيَّةُ مِنْهُمْ- وَ نِيْشَخْنَدِ قَرَارِ دَهْدَ» (شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۲۷۱-۲۷۰)

۴ - گناهانی که دورکننده روزی و بهره الهی هستند - وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تَدْفَعُ الْقِسْمَ :

«إِظْهَارُ الْإِفْتِقَارِ - اظهار نیازمندی نمودن» «وَالنَّوْمُ عَنِ الْعَتَمَةِ وَ عَنِ صَلَاةِ الْغَدَاةِ - و خوابیدن در ثلث اول شب (وقت نماز عشا) و در وقت نماز صبح» «وَأَسْتِحْقَارُ النِّعَمِ - و نعمت را خوار شمردن» «وَأَشْكَاؤُ الْمَعْبُودِ عَزَّ وَ جَلَّ و گله از معبود بزرگوار نمودن.»

۵ - گناهانی که پرده‌های عصمت را پاره می‌کند - وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ:

«شُرْبُ الْخَمْرِ - نوشیدن هر نوع از مشروبات مست کننده» «وَاللَّعِبُ بِالْقَمَارِ - قمار بازی» «وَأَتَاعِي مَا يُضْحِكُ النَّاسَ مِنَ اللَّغْوِ وَالْمَزَاحِ - و انجام کارهای مضحك و آنچه موجب خنده‌های بیجا است از لغو گویی و شوخی» «وَأَذْكُرُ عُيُوبَ النَّاسِ - بازگو کردن عیب های مردم» «وَأُجَالَسَةُ أَهْلِ الرَّيْبِ - و همنشینی با کافران و آدمهای بی بند و بار و شگاک.»

۶ - و برخی گناهانی که بلا نازل می‌کنند - وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ:
«تَرْكُ إِغَاثَةِ الْمَلْهُوفِ - ترك فریاد رسی مظلوم» «وَأَتْرَاكُ مُعَاوَنَةِ الْمَظْلُومِ - و یاری ندادن او» «وَأَتَضْيِيعُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ - و ضایع کردن و رها ساختن امر به معروف و نهی از منکر است.»

۷ - برخی گناهانی که دشمنان را بر انسان مسلط می‌کند - وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ:

«الْمُجَاهَرَةُ بِالظُّلْمِ - ستم آشکارا» «وَأِغْلَانُ الْفُجُورِ - و علنی شدن گناه و سرپیچی از حق» «وَأِبَاحَةُ الْمَحْظُورِ - و مباح شمردن آنچه حرام شمرده شده است» «وَأَعْيَانُ الْأَخْيَارِ - و نافرمانی از نیکان» «وَالْإِنْطِبَاحُ لِلْأَشْرَارِ - و سر فرود آوردن در برابر ستمگران.»

۸ - گناهانی که شتاب دهنده هلاکت هستند - وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ:
«قَطِيعَةُ الرَّحِمِ - قطع رحم» «وَالْيَمِينُ الْفَاجِرَةُ - سوگند دروغ» «وَالْأَقْوَالُ الْكَاذِبَةُ - و دروغ گویی» «وَالزَّيْنَاءُ - و زنا» «وَأَسْدُ طُرُقِ الْمُسْلِمِينَ - و بستن راه مسلمانان» «وَأَدْعَاءُ الْإِمَامَةِ بِغَيْرِ حَقٍّ - و ناروا ادعای امامت کردن.»

۹ - و برخی گناهانی که امید را بدل به نومیدی می‌کند - وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ:

«الْيَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ - مأیوس شدن از رحمت خداوند» «وَالْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ - و ناامیدی از مهر پروردگار»
(قنوط اخس است از یأس، چون یأس، تنهانومیدی قلب است هرگاه این نومیدی شدید شود به طوری که به ظاهر هم سرایت نماید و از کلماتش نومیدی تراوش

کند که اگر شخص باهوش او را ملاقات نماید آثار ناامیدی را از ظاهرش درک می کند این حال قنوط نامیده می شود، پس قنوط کسی است که آثار ناامیدی از کلماتش هویدا باشد- گناهان کبیره، ج ۱، ص ۱۰۵)

«وَالثَّقَّةُ بِغَيْرِ اللَّهِ- و اعتماد کردن به غیر خداوند» «وَالْتَكْذِيبُ بِوَعْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - و دروغ پنداشتن نوید خداوند عزَّ و جلَّ»
۱۰ - و برخی گناهانی که هوا را تیره و تاریک می گرداند- و الذُّنُوبُ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ:

«السَّحَرُ- جادوگری» «وَالْكِهَانَةُ- و خبر غیب گفتن و فال زدن» «وَالْإِيمَانُ بِالْجُوم - و ایمان داشتن به ستاره» «وَالْتَكْذِيبُ بِالْقَدَرِ- و تکذیب تقدیر الهی» «وَالْعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ- و نافرمانی و آزریدن پدر و مادر است»
۱۱ - گناهانی که آشکار کننده باطن هستند- و الذُّنُوبُ الَّتِي تُكْشِفُ الْغَطَاءَ:
«الِاسْتِدَانَةُ بِغَيْرِ نِيَّةِ الْأَدَاءِ - و ام خواستن و قرض گرفتن با قصد باز پرداخت نکردن آن» «وَالِإِسْرَافُ فِي النَّفَقَةِ عَلَى الْبَاطِلِ - و زیاده روی در بیهوده خرج کردن» «وَالْبُخْلُ عَلَى الْأَهْلِ وَالْوَلَدِ وَ ذَوِي الْأَرْحَامِ - و بخیلی و خرج نکردن برای خانواده و فرزند و خویشاوند» «وَالسُّوءُ الْخُلُقِ- و بداخلاقی»، «وَالْقِلَّةُ الصَّبْرُ- و کم صبری» «وَالِاسْتِعْمَالُ الضَّجَرِ- و دلتنگی و بی قرار بودن از غم» «وَالْكُسْلُ - و کاهلی و سستی نمودن» «وَالِاسْتِهَانَةُ بِأَهْلِ الدِّينِ- و سبک شمردن مؤمنان است.»

۱۲ - گناهانی که رد کننده دعا هستند - و الذُّنُوبُ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ:
«سُوءُ النِّيَّةِ - نیت بد داشتن» «وَالْخُبْنُ السَّرِيرَةُ - و پلیدی باطن» «وَالنَّفَاقُ مَعَ الْإِخْوَانِ - و دورویی با برادران دینی» «وَالْتَرْكُ التَّصَدِيقِ بِالْإِجَابَةِ - ترک اطمینان به قبول شدن دعا» «وَالْتَأْخِيرُ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ حَتَّى تَذْهَبَ أَوْقَاتُهَا - و تأخیر نمازهای واجب تا وقت بگذرد» «وَالْتَرْكُ التَّقَرُّبِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالْبِرِّ وَ الصَّدَقَةِ - و ترک تقرب جستن به خداوند به وسیله نیکی و خیرات» «وَالِاسْتِعْمَالُ الْبَدَاءِ وَ الْفَحْشِ فِي الْقَوْلِ - و بد دهنی و گفتن سخن زشت»

۱۳ - گناهانی که مانع باران هستند - و الذُّنُوبُ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ:
«جَوْرُ الْحُكَّامِ فِي الْقَضَاءِ - بیدادگری حاکمان در داورى» «وَالشَّهَادَةُ الزُّورِ- و به دروغ و باطل گواهی دادن» «وَالْكَتْمَانُ الشَّهَادَةِ - و پنهان کردن شهادت» «وَالْمَنْعُ الزَّكَاةَ وَ الْقَرْضَ وَ الْمَاعُونَ- و ندادن زکات و عدم پرداخت قرض و سایر ما محتاج (چون تبر و تیشه و آلات کار)» «وَالْقَسَاوَةُ الْقُلُوبِ عَلَى أَهْلِ الْفَقْرِ وَ الْفَاقَةِ- و سخت شدن دلها بر بینوایان و نیازمندان» «وَالظُّلْمُ الْيَتِيمِ وَ

الْأَرْمَلَةَ- و ستم نمودن به یتیمان و بیوه زنان» «وَأَنْتَهَارُ السَّائِلِ- و زجر و راندن و دور کردن درخواست‌کننده و سائل» «وَرَدُّهُ بِاللَّيْلِ - و پناه ندادن و رد کردن او -سائل- در شب هنگام» (شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۲۷۱)

عنوان: ارتباط اعمال نیکوکاران با نعمت‌های بهشتی

از دید قرآن و روایات، اعمالی چون: ایمان و عمل صالح، تقوا، پیروی از خدا و رسول (ص)، راستی و راست‌گویی، اهتمام به نماز، انفاق در راه خدا، شهادت در راه خدا و غیر آن، تمثلاتی در آخرت دارد که باطن و مراتبی از حقیقت این اعمال است.

گر مراقب باشی و بیدار تو هر دمی بینی جزای کارتو

پیامبر (ص) در باره ارتباط اعمال نیکوکاران با نعمت‌های بهشتی فرموده است: یکی از درهای بهشت «ریان» (به معنی شاداب، سیراب) نام دارد که فقط روزه داران از آن وارد می‌شوند. در دیگر «معروف» نام دارد که اهل معروف و کارهای خیر از آن وارد می‌شوند. در دیگر «صبر» است و نیز در دیگر آن «شکر» است. در دیگر بهشتی «بلا» نام دارد و در دیگر آن «اعظم» است که مخصوص پارسایان و پرهیزکاران است. (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۳۱، ح ۲۵۹۵)

تفصیل بیشتر این مطلب در روایتی است که پیامبر (ص) فرمودند: «وقتی جبرئیل مرا به آسمان عروج داد، بهشت و نعمت‌های آن و جهنم و عذاب‌های آن را مشاهده کردم، جبرئیل به من گفت: آن چه را بر درهای بهشت نوشته شده بخوانم؛ بر درب اول نوشته شده بود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ، هر کاری راهی دارد و راه زندگی چهار چیز است: قناعت و صرفه جویی؛ حق‌گویی؛ خودداری از کینه ورزیدن و همنشینی با نیکان. بر درب دوم نوشته شده بود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ... هر کاری راهی دارد، و راه خوشحالی در آخرت چهار چیز است: دست‌نوازش بر سر یتیمان کشیدن، مهربانی با بی‌سرپرستان، کوشش برای رفع گرفتاری‌های اهل ایمان و دلجویی از فقیران و تهی‌دستان. بر درب سوم نوشته شده بود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ... هر کاری راهی دارد و راه سلامتی در دنیا چهار چیز است: کم حرف زدن، کم خوابیدن، کم راه رفتن و کم خوردن. بر درب چهارم نوشته شده بود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ... هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید میهمان خویش را احترام کند. هر کس به

خدا و قیامت ایمان دارد، باید همسایه خود را اکرام نماید، هر کس به خدا و قیامت ایمان دارد، باید پدر و مادر خود را احترام کند، و هر کس به خدا و قیامت عقیده دارد، یا سخن حق بگوید، یا ساکت بماند. بر **درب پنجم**، بعد از شهادت به یگانگی خدا و نبوت پیامبر (ص) و امامت علی (ع) نوشته شده بود: هر کس می خواهد به او ظلم نشود، به دیگران ظلم نکند؛ هر کس که می خواهد ناسزا نشنود، ناسزا نگوید؛ هر کس که می خواهد خوار نشود، کسی را ذلیل نکند و هر کس که می خواهد در دنیا و آخرت به ریسمان محکمی چنگ بزند، به وحدانیت خدا و نبوت پیغمبر (ص) و امامت علی (ع) اقرار کند. بر **درب ششم**، بعد از اقرار های سه گانه فوق نوشته شده بود: هر کس که می خواهد قبرش فراخ باشد، مسجد بسازد؛ هر کس که می خواهد جانوران زیر زمین بدن او را نخورند، در مسجد ها زیاد بماند؛ هر کس که می خواهد بدن او در قبر تر و تازه بماند، مسجد را جارو کند و هر کس که می خواهد خانه خود را در بهشت ببیند، مسجدها را با فرش بپوشاند. بر **درب هفتم** نوشته بود: نورانیت و روشنایی قلب در چهار چیز است: عیادت بیمار، تشییع جنازه، تهیه کفن برای دیگران، و قرض دادن به افراد. بر **درب هشتم** نوشته شده بود: هر کس که می خواهد از این درها وارد بهشت شود، باید دارای چهار خصلت باشد: سخاوت مندی و بزرگواری، خوش خلقی و اخلاق خوب، صدقه دادن، و خودداری از اذیت و آزار بندگان خدا. (معالم الزلفی، ص ۴۱۹؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴)

از مفاد آیات و روایات فهمیده می شود که می خواهد دیده حقیقت بین مؤمنین را بگشاید و قدرت دیدن باطن و حقیقت اعمال را که با ظاهر آن بی رابطه نیست به آنها هدیه کند؛ استمرار و ممارست بر قرائت قرآن و احادیث نبوی و علوی نقش بسیار زیادی در کسب قدرت دیدن باطن و حقیقت اعمال دارد؛ آنچنان که شعله ای با اصطکاک فراوان دو چوب خشک افروخته می شود. امیرمؤمنان در تأثیر قرآن می فرماید: «وَأَعْلَمُوا ... وَ مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ إِلاَّ قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ: زِيَادَةٍ فِي هُدًى، وَ نُقْصَانٍ مِنْ عَمَى. وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ، وَ لَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنًى، ...»... هر کس با قرآن همنشینی کند، چون برخیزد، چیزی بر او افزوده شده و چیزی از او کاسته گشته. به هدایتش افزوده شده و از کور دلی اش کاسته گشته. بدانید، آنکه با قرآن است، نیازمند نباشد و کسی را بدون قرآن بی نیازی حاصل نگردد. شفای دردهای خود را از قرآن بجوید، چون سختی پیش

آید از قرآن یاری خواهید. قرآن شفا دهنده بزرگترین دردهاست ، یعنی درد کفر و نفاق و تباهی و گمراهی . به قرآن از خدا حاجت خواهید و با عشق به قرآن روی به خدا آورید و قرآن را وسیله خواهش از مردم قرار مدهید. ... » (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶)

چنگ در گفته یزدان و پیمبر زن و بس کانچه قرآن و خبر نیست فسانه است و هوس
وصلی الله علی محمد وآله